

راهکارهای برقراری پایداری محیطی و اجتماعی در شهر مسجدسلیمان

وحید زمانی حموله: کارشناسی ارشد، عضو شورای شهر مسجد سلیمان

(zamanivahid570@gmail.com)

علی دربان: کارشناس معماری

(alidarban2014@yahoo.com)

چکیده

سابقه تاریخی هر کشور موجب شکل‌گیری فرهنگ آن جامعه می‌شود فرهنگ هر جامعه نیز بر معماری آن جامعه تاثیر می‌گذارد. از مهمترین ویژگی‌های هنر معماری هم هدایت‌گری فرهنگی است. یکی از مکان‌های عمومی که افراد در آن می‌توانند دغدغه‌های ذهنی خود را از مسائل گوناگون به شکل مفاهیم مختلف در قالب اشکال مختلفی جهت تاثیرگذاری بیشتر بر روی افراد جامعه عرضه نماید یک شهر است. که اجتماع پذیر کردن شهرها یکی از اصلی‌ترین مولفه‌های مهم و موثر در خلق شهرهای فرهنگی است که این امر درگرو توجه به انگاره‌های فرهنگی و اجتماعی مختلف است. که این انگاره‌ها را می‌توان در بخش‌های شهرسازی و معماری پایدار جستجو نمود. عموماً معماری پایدار را مبتنی بر سه بعد محیطی، اقتصادی و اجتماعی می‌دانند و شهرهای فرهنگی و هنری یکی از مکان‌هایی است که پایداری اجتماعی در آن دنبال می‌شود. سعی پژوهش حاضر فراهم آوردن بستری در جهت بهبود جایگاه فرهنگ و هنر، با تاکید بر خلق فضایی در شهر مسجد سلیمان منطبق با اصول معماری پایدار و با تاکید بر پایداری اجتماعی است و در پی پاسخ به این سوال است که، شهر مسجدسلیمان چگونه می‌تواند در پایداری اجتماعی موثر واقع شود؟ روش مورد استفاده در این مقاله، راهبرد تحقیق کیفی با رویکرد نظریه‌های زمینه‌ای (زمینه‌یاب) است. در زمینه مطالعات تحقیق پیش رو بررسی شهرهای فرهنگی و هنری به عنوان یک فضای شهری در جوانب گوناگون هر یک به نوبه خود می‌تواند یاری بخش حل این مسئله باشد. در راستای دستیابی به پایداری در شهرها، بیشتر به جنبه پایداری اجتماعی پرداخته شده است. لیکن رویکرد مقاله حاضر ابتدا لزوم توجه به جنبه اجتماعی معماری پایدار بوده و سپس با علم بر نقش اجتماعی شهرها، بالخصوص شهر مسجدسلیمان، پس از بررسی پایداری اجتماعی، به بیان راه‌کارهایی جهت برقرار نمودن پایداری مذکور در این شهر پرداخته می‌شود.

کلمات کلیدی: شهر، شهر مسجدسلیمان، پایداری اجتماعی، پایداری محیطی، انگاره‌های فرهنگی و اجتماعی.

مقدمه

در هر شهر یا کشوری حفظ بافت‌ها و محله‌های تاریخی حائز اهمیت بسیار زیادی می‌باشد. زیرا محله‌ها و شهرها یادآور گذشته و فرهنگ مردم آن ناحیه می‌باشد. از طرفی فرهنگ هر سرزمین مانند گوهری است که باید در حفظ آن کوشید. گوهری که از بنیادی‌ترین عوامل تاثیرگذار به شکل‌گیری محیط زندگی انسان است. از طرفی جهت ایجاد حس تعلق ساکنان یک شهر، آفرینش فضاها و شهری که باعث تعاملات اجتماعی بیش‌تر میان ساکنان و تجلی‌گاه حیات مدنی شهر و محل رخداد وقایع و فعالیت‌های اجتماعی شهروندان می‌باشد، از نکات مد نظر پژوهش می‌باشد.

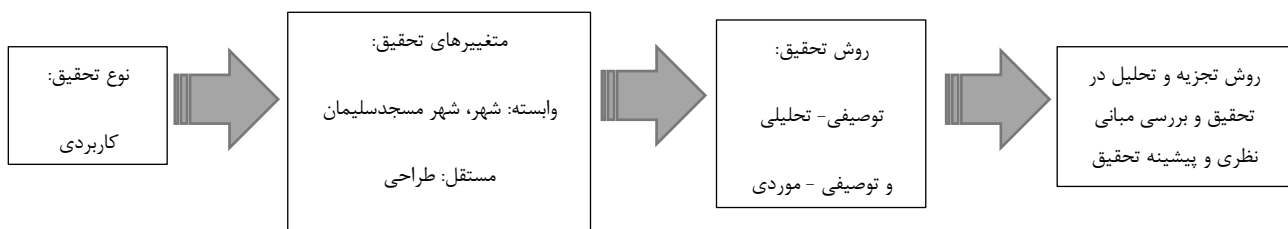
فرهنگ به عنوان عنصری ماندگار و پایدار در رسیدن انسانها به آرمانها و تکامل دستاوردهای مادی و معنوی آنها نقش عظیمی دارد، در حقیقت آنچه مایه استغنا و استعالی روح بشری است فرهنگ نامیده می‌شود و شهرها به شکل عملکردی از ساختارهای کالبدی بسیار مهم در هر کشوری می‌باشند. شهرها و محله‌ها برای اینکه بتوانند نقش خود را در ساختارهای اجتماعی به درستی ایفا کنند به جمعیت و روابط با افراد نیاز دارند. معماری را باید وسیله‌ای غیر قابل انکار برای زندگی و نه فقط ساختن، بلکه مجموعه‌ای از تفکر، عملکرد و مصرف دانست و ساختارهای معمارانه نه فقط جهت استفاده‌ی فیزیکی، بلکه استفاده‌ی روحی و روانی و حتی به عنوان هنر زندگی اجتماعی و تعادل در موجودیت و هماهنگی سیستماتیک این تعادل که همگنی و تداوم خود را از طبیعت محیطی داشته باشد و نه در اجتماعی سه بعدی که از علوم و فنون پیروی می‌نمایند، بلکه به صورت انرژی و نیروی برتر در هر انسانی نمود یابد.

نظریه توسعه پایدار و در پی آن معماری پایدار، امروزه جزء یکی از بحث‌انگیزترین موضوعات عرصه معماری است. اینکه هر ساختمانی باید بتواند با محیط طبیعی که در آن واقع شده رابطه برقرار کند جای بحث ندارد. آنچه چالش محسوب می‌گردد نوع و چگونگی این رابطه است. ایده‌ی معماری پایدار امروزه برای پاسخگویی به این پرسش مطرح گردیده است. در واقع طراحی پایدار نوعی از معماری است که از حداکثر استعدادهای محیطی برای آسایش مصرف‌کنندگان سود می‌جوید و ابزارها و راه‌کارهای هوشمندانه‌ای در این راه به کار می‌گیرد؛ در این نوع معماری و شهرسازی، بنا با موقعیت مکانی، شرایط اقلیمی و طبیعت پیرامون خود تعامل و ارتباط متقابلی بوجود می‌آورد (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶: ۳۲).

یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین جنبه‌های پیشرفت در هر جامعه، سطح آگاهی و آشنایی مردم آن جامعه می‌باشد. در این راستا یکی از اهداف ایجاد پایداری اجتماعی در شهر، اطلاع‌رسانی همگانی و آشنا نمودن عموم با مقوله فرهنگ در جامعه می‌باشد. پژوهش حاضر نیز در راستای خلق رابطه‌ای تنگاتنگ میان گروه‌های مختلف مردم و شهر مسجد سلیمان درصدد ارائه راه‌کارهایی جهت برقراری این رابطه از طریق مطرح کردن مباحثی همچون پایداری اجتماعی و نقش شهرها بالخصوص شهر مسجد سلیمان در برقراری این رویکرد از معماری پایدار سعی در آشتی دوباره مردم با مقوله فرهنگ و هنر و به تبع آن حضورپذیری بیشتر مردم در چنین شهرهایی با قدمت تاریخی و فرهنگی بی‌نظیر که در حقیقت موجب همبستگی اجتماعی و برقراری پایداری اجتماعی می‌شود را دنبال می‌کند.

روش تحقیق

با توجه به سنجش شهرها، خصوصاً شهرهایی با قدمت تاریخی و فرهنگی بی‌نظیر در دنیا و وام‌گرفتن از مفاهیم و رویکردهای پایداری اجتماعی ضرورت ایجاد می‌کند مصداق‌هایی را جهت تحلیل ویژگی‌های مناسب شهرهای تاریخی و فرهنگی در دنیا و همچنین مفاهیم و الگوهای پایداری اجتماعی را انتخاب کرده و از نتیجه این سنجش‌ها، مقایسه‌ای را به دست آورده که نتیجه‌گیری ارائه می‌گردد، پس به طور کل روش تحقیق استفاده شده، روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و توصیفی-موردی می‌توان نام برد. اطلاعات مربوط به ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش با استفاده از روش‌های کتابخانه‌ای، اسنادی و منابع مکتوب نظیر مقالات متعدد، پایان‌نامه‌های مربوطه، کتاب‌های نگاشته شده در رابطه با موضوع پژوهش و اطلاعات مرتبط با تأیید یا رد فرضیه‌های پژوهش، اهمیت موضوع مورد بررسی قرار خواهد گرفت.



نمودار ۱: روند پژوهش، (منبع: نگارندگان، ۱۳۹۷).

تعریف کلی از شهر

شهر؛ سکونت‌گاهی، نسبتاً بزرگ و دائمی است. سازمان ملل متحد، در سال ۱۳۶۷ خورشیدی، شهر را چنین، تعریف می‌کند: "شهر، مکانی با تراکم بالای جمعیت و مرکزیت سیاسی، اداری و تاریخی است که در آن، فعالیت اصلی مردم، غیر کشاورزی است و دارای مختصات شهری بوده که از طریق دولتی محلی، اداره می‌شود" (موریس، ۱۳۷۴: ۵-۱۰).

شاخص‌های تفکیک شهر از روستا، عبارت است از:

- وسعت
- وضعیت و نوع فعالیت اقتصادی
- درجه اشتغال و قشربندی اجتماعی
- درجه پیچیدگی روابط و مناسبات
- چگونگی بهره‌گیری از نهادهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی
- میزان و ترکیب جمعیت.

شهر، محلی است با حدود قانونی که در محدوده جغرافیائی بخش، واقع شده و از نظر بافت ساختمانی، اشتغال و سایر عوامل، دارای سیمایی با ویژگی‌های خاص خود، بوده؛ به طوری که اکثریت ساکنان دائمی آن، در مشاغل کسب، تجارت، صنعت، کشاورزی، خدمات و فعالیتهای اداری، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی حوزه جذب و نفوذ پیرامون خود، بوده و حداقل، دارای ده هزار نفر، جمعیت باشد. در هر نقطه که از نظر موقعیت و اهمیت، تشکیل شهرداری، ضرورت داشته باشد؛ ولو، جمعیت آن، به پنج هزار نفر، بالغ نشود؛ وزارت کشور، می‌تواند، در آن محل، دستور تشکیل انجمن و شهرداری بدهد. در زبان فارسی باستان، «شهر» را «خشت» می‌گفتند که به معنی پادشاهی بوده‌است. در اوستا این واژه به صورت «خَشْتَر» بوده که واژه «شهر» در فارسی نو از همین واژه اوستایی آمده‌است (حسینی، ۱۳۹۰: ۴۹-۵۰).

شهر مسجدسلیمان

مسجدسلیمان شهری تاریخی در میان کوه‌های زاگرس و از شهرهای بختیاری‌نشین استان خوزستان است. این شهر پیشگام حفاری نفت در ایران می‌باشد. کنسرسیوم دارسی، استخراج نفت ایران را در سال ۱۹۰۸ میلادی از این شهر آغاز کرد. روستاهای کوهستان‌های اندیکا و لالی و دشت بزرگ از بخش‌های تابعه اطراف این شهر بودند؛ که در چند سال اخیر بخش‌های اندیکا و لالی به شهرستان تغییر یافته‌اند. از دیدنی‌های این شهر می‌توان به دامنه کوه آسماری، تفرجگاه تمبی، گلگیر، معبد سرمسجد و معبد بردن‌شاندِه اشاره کرد. یکی از عوامل ایجاد و گسترش شهر مسجدسلیمان، اکتشاف نفت در این منطقه‌است. ویلیام ناکس دارسی طی انعقاد قراردادی با دولت مظفری مجوز جستجو و اکتشاف نفت در ایران را گرفت و تیم اکتشاف وی نفت را برای اولین بار در خاورمیانه، و در شهر مسجدسلیمان کشف کرد. هیئت باستان‌شناسی فرانسوی سال ۲۰۰۷ نیز در مسجد سلیمان موفق به کشفیات مهمی شده‌است (عباسی شهینی، ۱۳۸۳: ۳۸).

مسجدسلیمان را در دوره تمدن ایلام آساک می‌نامیدند که بخشی از منطقه سیماش عیلام تلقی می‌شد؛ ولی پس از حمله آریایی‌ها و شکست عیلامیان نام آن به «پارسوماش» تغییر پیدا کرد. در فاصله اواسط سده ۹ تا اوایل سده ۷ پیش از میلاد قومی آریایی به نام «پارسوا» از دامنه‌های شمال غربی زاگرس و کوه‌های بختیاری به جلگه خوزستان فرود آمدند و مسجدسلیمان کنونی از جمله مناطقی بود که در آن سکنی گزیدند. این قوم نیمه بدوی که متکی بر معیشت شبانی و به ویژه تربیت اسب بودند، بعد از آشنایی با کشاورزی و ترک کوچ‌نشینی، در نواحی کوهپایه‌ای جلگه، شهر تازه‌ای بنا نهادند و آنرا به یاد سرزمین گذشته خود که «پارسوا» نام داشت، «پارسوماش» خواندند. در شمال شرقی مسجدسلیمان بر روی تپه‌ای باستانی بنام سرمسجد آتشکده‌ای مربوط به آن دوران وجود دارد که پروفیسور گیرشمن باستان‌شناس فرانسوی این آتشکده را مربوط به دوران پارس‌ها می‌داند و آنرا زادگاه چیش پیش اول هخامنشی جد کوروش بزرگ می‌داند.

مسجدسلیمان را در قدیم سرمسجد می‌نامیدند و علت آن وجود این آتشکده باستانی بود. در زمان حمله اعراب تازی‌ها می‌خواستند که آنرا از بین ببرند اما ایرانیان به دروغ به آنها گفتند که این معبد ساخت حضرت سلیمان نبی می‌باشد و چون سلیمان بسیار مورد احترام اعراب بود آنها از این عمل سر باز زدند. در سال ۱۳۰۳ هجری شمسی هنگام بازدید رضاخان از سرمسجد وقتی که او این ماجرا را شنید دستور به تغییر نام سرمسجد به مسجدسلیمان داد و بدین ترتیب در سال ۱۳۰۵ و به تصویب مجلس شورای ملی نام مسجدسلیمان را بر این شهر نهادند. اعتقاد ایرانیان به آتش به عنوان نمادی از اهورامزدا و جوشش روغن مقدس قابل اشتعال بر سطح زمین در شهر پارسوماش باعث شد تا این شهر دارای آتشکده‌های همیشه جاویدان شده و بنابراین شهر از لحاظ مذهبی نیز به شدت اهمیت یافت، به گونه‌ای که آتش این آتشکده تا زمان «هارون الرشید» نیز روشن بود. اهمیت مذهبی و اعتقادات مردم به پاک و مقدس بودن این شهر به حدی زیاد گردید که حتی بعد از ورود اسلام، ایرانیان برای زیارت به این شهر مراجعه می‌نمودند؛ لذا هویت مذهبی آن مانند دیگر اماکن مقدس همچنان باقی‌مانده و نام «مسجدسلیمان» نیز در همین راستا بر آن اطلاق گردید. اما حتی این نام‌گذاری از غروب اولیه شهر در زمان هارون جلوسگیری نکرد (عباسی شهینی، ۱۳۸۳: ۴۱).

سازه‌های معماری شهرستان مسجدسلیمان

شهر "مسجد سلیمان" در استان خوزستان، نام خود را از بازمانده‌های بنایی باستانی به همین نام گرفته است که در بلندی‌های مشرف به شهر ساخته شده است و از نام اصلی آن اطلاعی در دست نیست. این محوطه باستانی که در گویش مردمان بومی به نام "صفه سرمسجد" نیز شناخته می‌شود، عبارت است از تختانی (صفه‌های) چهارگوش به درازا و پهنای تقریبی ۱۲۰ در ۱۰۰ متر که تقریباً تمامی بناهای روی آن از بین رفته و تنها اندکی از شالوده‌های آنها برجای مانده است. برای ساخت این تختان و بناهای روی آن، در آغاز دیوارهایی در پایین شیب کشیده‌اند و آنگاه ناهمواری‌های بالای کوه را زوده و با آوار آن فرورفتگی‌ها و گودی شیب را پر کرده‌اند تا تختان مناسبی برای ساخت وسازها فراهم آید. بر روی این تختان، شماری از بناهای گوناگون همراه با محوطه‌های باز، و نیز چندین ردیف پلکان برای دسترسی به آن ساخته بوده‌اند (توسلی، ۱۳۸۱: ۶۱).

آتشکده جاویدان (صفه سرمسجد) واقع در مسجد سلیمان بنایی متعلق به قرن هفتم قبل از میلاد است که بنا بر نظر برخی کارشناسان، معماران برای ساخت تخت جمشید از آن الهام گرفته‌اند. نوع معماری این بنا، آتشکده جاویدان اورارتویی است که مهم‌ترین مشخصه آن استفاده نکردن از مالت و گذاشتن سنگ خشک روی سنگ خشک دیگر است. بنا به نوشته‌های پروفیسور گیرشمن، باستان‌شناس فرانسوی در کتاب "ایران از آغاز تا اسلام" تخت جمشید نیز با استفاده از همین الگو ساخته شده است. این معبد که در گذشته‌های دور همواره در آن آتشی افروخته بوده مشرف به صفه سرمسجد است که به گفته مورخان مقر حکومتی پارس‌ها بوده است. آتشکده سرمسجد، به دستور یکی از پادشاهان بزرگ هخامنشی ساخته شده و هر کدام از سنگ‌های بزرگ معدنی ۱ به کار رفته در آن ۰ تا ۱ تن وزن دارد (Bonnie, 2001). برای ساخت دیوارهای این معبد هیچ نوع ملاتی به کار نرفته و با توجه به زلزله‌های مکرر در مسجد سلیمان احتمال ریزش این سنگهای خشک‌چین وجود دارد. محراب آتشکده متعلق به قرن ۷-۸ قبل از میلاد است که شامل یک سکو به اندازه‌های ۲۰ در ۲۵ پا می‌باشد. در بخش شرقی محراب قسمتی که اکنون آتشکده می‌باشد برای عبادت ایرانیان بنا شده بود. سمت غرب ایران مقدس ویژه خدایان یونانی بوده و در سمت غربی آتشکده ۳ معبد برای ۳ تن خدایان قدیم اختصاص داشت که ۲ تن از آنان هراکلیوس و آتنا می‌باشد (دالمن، ۱۳۸۱: ۷۳-۷۹). یک پلکان به عرض ۲۵ متر مومنان را به روی صفه نزدیک محل مقدس هدایت می‌کرد و از آنجا که در پایان مراسم نیایش نیابستی از همان راه که آمده‌اند بازگردند یک پلکان دیگر در گوشه دیگر ضلع شرقی برای پایین رفتن ساخته بودند. به عقیده پروفیسور گیرشمن سابقه استقرار یکی از قبایل پارس در مسجدسلیمان به اواخر قرن هشتم قبل از میلاد می‌رسد. ظروف سفالی، سکه‌های قدیمی، مجسمه‌های باستانی و آثار کهنی از این بنای تاریخی بدست آمده‌است که در موزه‌های داخل و خارج نگهداری می‌شوند. همه ساله از سراسر ایران و حتی خارج از کشور جهانگردانی برای بازدید از این اثر ارزشمند باستانی به استان خوزستان سفر می‌کنند. آتشکده سرمسجد در سال ۱۳۱۶ و با شماره ۳۰۰ به

فهرست آثار تاریخی ملی و باستانی کشور به ثبت رسیده است. در زمینه کاربری بنای مسجد سلیمان هنوز هم آگاهی چندانی در دست نیست. برخی آنرا یک نیایشگاه یا کاخ و یا آتشکده احتمال داده‌اند که البته میتوان احتمال‌های دیگری همچون بنایی برای گردهمایی‌های عمومی را نیز گمان داد. امروزه جز بقایای مبهمی از مجموعه بناها، چیزی برجای نمانده است. اما دیوارهای تختان، بسیاری از پلکان محوطه، و همچنین آثار سکونت‌گاه‌های پیرامون آن، تاکنون بازمانده‌اند و می‌توانند سرچشمه آگاهی‌های فراوانی باشند که تاکنون بگونه‌ای جدی به آن پرداخته نشده‌است (بحرینی و کریمی، ۱۳۸۱: ۷۸). بنای مسجد سلیمان شباهت‌های فراوانی با تخت جمشید و برخی از دیگر آثار هخامنشی دارد. هر دو، ساخته شده بر تختانی پشت به کوه، دیوارهایی در پایین شیب، سنگ‌های خشکه چین بزرگ و بدون ملات، بناهای گوناگون بر بالای تختان، و پلکان‌های سنگی عریض با خیز کم و پاخور زیاد هستند.

اما بنای مسجد سلیمان در مقایسه با آثار هخامنشی، کهن‌تر و ابتدایی‌تر است. این گمان وجود دارد که شاید این بنا از آن شاهان پیش از هخامنشی باشد. به هر روی معماری مسجد سلیمان، پیشینه‌گونه‌ای از معماری است که بعدها با ساخت پاسارگاد و تخت جمشید تا اوم میباید (نوروزپور، ۱۳۸۶: ۹۳). اما یکی دیگر از شباهت‌های بنای باستانی مسجد سلیمان با بناهای هخامنشی، عبارت است از سازه‌های نیمه چلیپایی و تاقچه مانند که شباهت فراوانی با آفتاب‌سنج‌های بنای تقویمی "کعبه زرتشت" در نقش رستم و "زندان سلیمان" در پاسارگاد دارد. نخستین بررسی‌های نگارنده نشان می‌دهد که این سازه نیز همچو خود بنا، نمونه‌ای کهن‌تر، و پیشینه‌ای از آفتاب‌سنج‌های هخامنشی است و زاویه‌های تشکیل شده داخلی آن با زاویه میل خورشید به هنگام طلوع در آغاز هر یک از فصل‌های سال مطابقت دارد (شریفی، ۱۳۸۰: ۱۰۱).

فرهنگ و تاثیر آن بر رفتار

انتخاب رفتار مناسب برای انجام یک فعالیت حاصل شناخت و تصویر ذهنی است که از محیط داشته و فرهنگ از عناصر عمده‌ای است که تصویر ذهنی جمعی مردم را تعریف می‌کند. «فرهنگ» شامل باورها، ارزش‌ها، سبیل‌ها، و شیوه‌هایی است که یک گروه مشخص می‌سازد. مردم بر اساس این تصویر ذهنی و بر اساس الگوهای رفتاری، نحوه استفاده از فضا را مشخص می‌کنند. محیط بر الگوهای رفتاری یک جامعه تاثیر مستقیم می‌گذارد و الگوهای رفتاری بر اساس پاسخی که محیط به آنها می‌دهد تقویت و یا تضعیف می‌شوند (لنگ، ۱۳۹۵: ۱۱۰-۱۲۷).

بنابراین حفظ الگوهای رفتاری بستگی به شرایط محیط دارد. به وسیله فرهنگ برای رفتارها و اعمالها سیستم ارزش گذاری تعریف می‌شود. نظام ارزشی از باید ها و نباید ها تعریف می‌گردد. محیط و فضا می‌تواند در برقراری نظام ارزشی فضا بسیار موثر باشد. بنابراین توجه به شرایط محیطی برای جلوگیری از ناپیدها بسیار ضروری می‌باشد. بایدها و ناپیدها در دو لایه کلی تعریف می‌گردند، لایه اول شامل اعمال و فعالیت‌هایی می‌شوند که بدون در نظر گرفتن شرایط محیط همواره از نگاه مردم و نظام ارزشی کارهایی ناپسند و یا پسندیده می‌باشد؛ مانند کمک به هم‌نوع که همواره پسندیده می‌باشد و یا دزدی که فعالیت ناپسند می‌باشد. لایه دوم شامل اعمالی می‌شود که بر اساس توقع مکانی می‌تواند پسندیده و یا ناپسند جلوه نمایند. شرایط محیطی در پسندیده بودن یا ناپسند بودن آنها نقش عمده‌ای را ایفا می‌نماید (پاکزاد، ۱۳۸۳: ۴۶).

رویکردهای اجتماعی - فرهنگی در معماری و شهرسازی

در رویکرد اجتماعی، محقق ابتدا مخاطب خود را با دنیای فرهنگی و معنای استفاده‌کنندگان از فضاها آشنا نموده و سپس معماری آنرا معرفی و تحلیل می‌کند. برای دستیابی به نتایج مورد نظر در دیدگاه‌های اجتماعی، محقق از روش‌های موجود در علوم اجتماعی بهره می‌گیرد. در این روش محقق به جامعه مورد نظر وارد شده و با ابزار خاص خود به سنجش رفتارها و روابط می‌پردازد (معماریان، ۱۳۸۷: ۴۶). محققین اجتماعی بر اساس یک نظریه مهم عمل می‌کنند، آنها با رد تاثیر علل اقلیمی، اقتصادی و تکنولوژیک به عنوان عامل نخست در شکل‌گیری بناها، معماری را متأثر از فرهنگ و اجتماع می‌دانند. در واقع از نظر آنها بنای معماری از بر هم کنش طبیعت، اجتماع، جهان بینی، روش زندگی، نیازهای مادی و معنوی، فردی و گروهی، اقتصاد و تکنولوژیک به دست می‌آید.

نگرش اجتماعی با ابزار گوناگونی به فهم و تحلیل معماری می‌پردازد. به منظور دستیابی به هدف ارتقای کیفی محیط‌زیست شهروندان، سناریویی تعریف می‌گردد که بهبود ارتباط انسان‌ها با همدیگر و فضاهای شهری را به شکل کالبدی ارائه می‌دهند. برای رسیدن به این اطمینان از روش‌های گوناگونی چون روش‌های هنری، علوم اجتماعی و روانشناسی محیطی بهره برده شده است. یکی از روش‌هایی که در چند دهه اخیر ابداع گردیده است، روش چیدمان فضا است. بکارگیری این روش از اوایل دهه هفتاد میلادی در انگلیس رواج یافت. این روش که اولین بار از سوی استدمن، پیلر هیلیر و جولیان هانسن مطرح شد. هدف اصلی محققین درگیر با این موضوع پی بردن به روابط اجتماعی در فضا مانند ایجاد حریم‌ها و درجه خصوصی و عمومی بودن فضاها می‌باشد.

روش چیدمان فضا ارتباط کلیه فضاهای شهری را با یکدیگر تجزیه و تحلیل می‌کند و نتایج را بصورت پارامترهای ریاضی و گرافیکی ارائه می‌دهد. پارامترهای ریاضی می‌توانند در ایجاد مدلی که نحوه عملکرد و رفتار را در فضاهای شهری پیش بینی می‌کند مورد استفاده قرار می‌گیرند. داده‌های گرافیکی تجزیه و تحلیل چیدمان فضا ابزار بسیار موثری در فرآیند طراحی شهری محسوب می‌گردند، به نحوی که تاثیر دخالت‌های کالبدی در دریافت شهر به صورتی گرافیکی دیده شود، لذا طراح در مرحله ایجاد گزینه‌های مختلف طراحی می‌تواند تاثیر انتخاب خود را بر ساختار کلان شهر مشاهده کند. بسیاری از محققان که از این روش بهره جستند، روش چیدمان فضا روشی است که در پیش بینی حرکت عابر پیاده و سوار و همچنین سطح استفاده از فضا بسیار موفق است (پاکزاد، ۱۳۸۳: ۴۶).

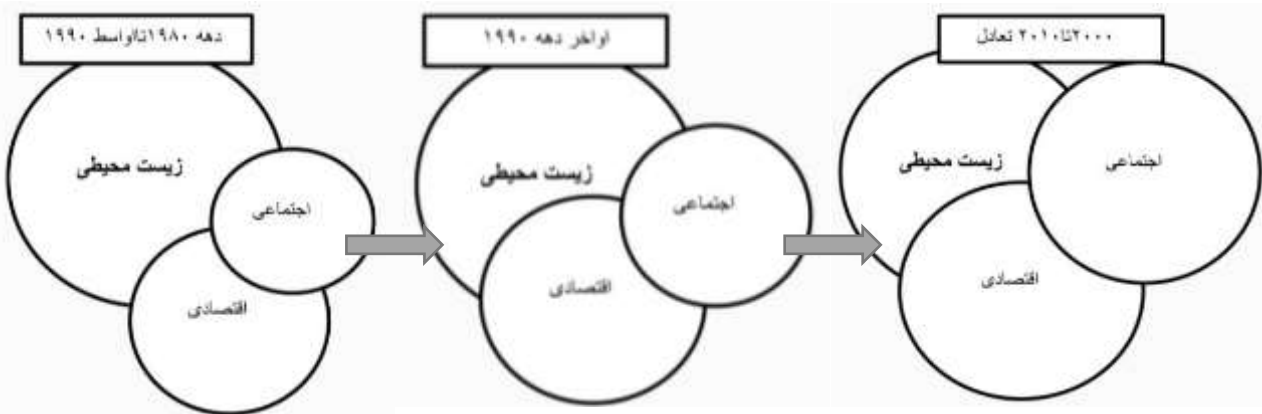
توسعه پایدار

توسعه پایدار علی‌رغم اشاره‌های پراکنده‌ای که برخی متفکران در گذشته مانند شوماخ نموده‌اند یکی از تازه‌ترین آرزوهای بشر است که از زمان زایش آن در سال ۱۹۷۷ تاکنون در معرض بحثها و جدل‌های بی‌شماری قرار داشته است، اما بحثها غالباً متوجه ابعاد، شاخص‌ها، روندها و مکانیسم‌های اجرایی آن در کشورهای مختلف بوده و کمتر کسی اصل ضرورت آن را مورد تردید قرار داده است. توسعه پایدار اشاره به فرایندی دارد که اساس بهبود وضعیت و از بین بردن کاستی‌های زیست محیطی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. توسعه‌ای که همه اقشار جامعه را به طور مساوی در برگیرد و در عین حال به محیط زیست آسیب نرساند (حبیبی، ۱۳۸۷: ۲-۱۳).

فرایند مذکور مبتنی است بر اداره و بهره برداری صحیح و مؤثر از منابع طبیعی، مالی و انسانی در جهت برآوردن نیازهای نسل امروز به نحوی که نسل آینده در تنگنا قرار نگیرد؛ بنابراین گسترش افقی این مفهوم، سه ضلع محیط زیست، جامعه و اقتصاد را در بر گرفته و در گسترش عمودی خود به نسل‌های آینده توجه

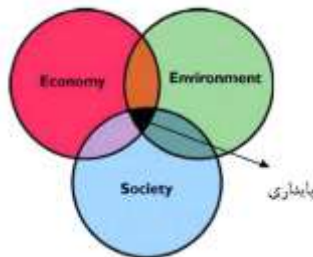
دارد. ضرورت برنامه‌ریزی برای رشد و توسعه از سوی دولت‌ها که از اواسط قرن بیستم در میان کشورهای توسعه نیافته مطرح شد در ابتدا صرفاً بر رشد اقتصادی تمرکز داشت اما از حدود سال ۱۹۶۰ لزوم توجه به جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی توسعه نیز اهمیت یافت که تحت عنوان جذاب نوسازی، برنامه‌های توسعه بسیاری از کشورها را تحت تأثیر خود قرار داد؛ اما موضوع تخریب محیط زیست در جریان توسعه صنعتی مفهوم دیگری را باب محافل توسعه‌ای نمود که منجر به گسترش مفهوم توسعه پایدار گردید.

پرنگ شدن ابعاد کیفی توسعه پایدار با تأکید بر عدالت، آزادی و کیفیت زندگی از دیگر پیشرفت‌ها در این حوزه بوده است. اهمیت یافتن تدریجی جنبه‌های اجتماعی توسعه پایدار یا اصطلاحاً پایداری اجتماعی در شکل زیر به خوبی مشخص است. پیامدهای اجتماعی مشکلات امروزی به وجود آمده مانند رشد جمعیت، کمبود منابع و مانند آن تا چند دهه پیش به اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته بود. با توجه به ناآرامی‌های مدنی که وقایع جهانی شدن، مانند اجلاس G8 و یا بازار جهانی اقتصاد در جوامع غربی به وجود آورد فرایند تغییر تعاملات و تعهد به فاکتورهای اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردار گشت (واعظ زاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸-۲۲).



نمودار ۲: اهمیت یافتن تدریجی توسعه پایدار در محافل بین‌المللی، (منبع: واعظ زاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸-۲۲).

از حدود ۲۰ سال پیش سازمان ملل از کشورهای مختلف جهان خواست با اتخاذ استراتژی‌های ملی توسعه پایدار، سیاست‌های هماهنگی را در این زمینه دنبال نمایند. از آن زمان تعدادی از کشورها رویکردهای استراتژیکی را برای توسعه پایدار در سطح ملی طراحی کرده و به اجرا درآوردند؛ اما تعدادی دیگر، هنوز در ابتدای راه هستند. ایران در زمره کشورهایی است که برنامه ریزی اقتصادی را قبل از سایر کشورهای در حال توسعه آغاز کرد/ جریان نوسازی نیز در برنامه‌های توسعه کشور با جدیت دنبال شد. هرچند ایران در زمینه توسعه پایدار تاکنون استراتژی مستقلی را به صورت جامع و چندوجهی دنبال ننموده اما مکانیسم‌های دیگری را مورد توجه قرار داده که احتیاجات یک استراتژی توسعه پایدار را برآورده می‌سازد. برنامه‌های توسعه پنج ساله، برنامه‌هایی هستند که توسط دولت باهدف تحقق توسعه‌ای منظم و هماهنگ از نظر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تدوین و اجرا می‌شود (حبیب، ۱۳۸۷: ۲-۱۳).



نمودار ۳: دیاگرام سه بعد اصلی توسعه پایدار، (منبع: پاکزاد، ۱۳۸۳: ۴۶).

مفهوم پایداری اجتماعی

پایداری اجتماعی در واقع جستجوی بهبود کیفی محیط مصنوع از طریق درک ارزش‌ها و نیازهای مردم و نه تنها حضور ظاهری آن‌ها می‌باشد. این رویکرد بر پایه باورها، ارزش‌ها، نیاز و خواست مشترک یک اجتماع است که از راه درک الگوهای رفتاری و با ویژگی‌های مشخص تحقق پذیر خواهد بود. تغییرات مورد خواست محدود به معماری نیست، بلکه ریشه در تعاملات زندگی اجتماعی و رابطه میان شهروندان و دولت‌ها داشت. موضوعاتی چون توجه به وضعیت محیط‌های زندگی کم درآمد، امنیت محیط‌های کالبدی و توجه به ارزش‌ها و خواست‌های گروه‌های اجتماعی، از موضوعات مورد درخواست جوامع بود (مهلا، ۱۳۹۵: ۷۱). در اینجا رویکرد پایداری اجتماعی واقعی‌انسانی است که در پژوهش حاضر به این نکته پرداخته می‌شود که این رویکرد را چهارجوبی خاص یعنی پیوندهای اجتماعی و تحلیل خواست‌ها و نیازهای انسان در شهر قرار داد و بدین توجه کرد که رویکرد پایداری اجتماعی به همین دلایل می‌تواند حاصل رفع جمعی از خواست و نیازها باشد. مفهوم پایداری اجتماعی وابسته به متن و زمینه است که به معنی این است که معیارهایی که برای پایداری اجتماعی در نظر گرفته می‌شود در دو محیط متفاوت، لزوماً مشابه نیستند یا اینکه ممکن است دارای اهمیت یکسان نباشند.

ریشه‌های پایداری اجتماعی از بهبود فضاهای شمانیک عرصه اجتماعی افراد و اجتماع ریشه می‌گیرد و ظرفیت‌سازی و مهارت‌های توسعه به نابرابری‌های محیطی و فضایی را شامل می‌شود. درمعنای پایداری اجتماعی، حفظ و ثبات مولفه‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه هم پیوند با ابعاد زیست محیطی و اقتصادی

مطرح است و به رفتارهای انسانی بستگی دارد که در درون فضا رخ می‌دهد. طراحی معماری می‌تواند در یافتن راه‌حلی برای تأثیر متقابل گروه‌های اجتماعی نقش ایفا کند. در واقع این بدان معناست که جهت حصول پایداری اجتماعی بایستی در همه ابعاد بسترهایی مهیا شود تا دست‌یابی به آن سهل گردد و ماحصل آن رویکردی باشد که منجر به دگرگونی و تغییر در همه جوانب روابط اجتماعی، نهادهای اجتماعی، اقتصادی و محیطی می‌گردد و رضایت اجتماعی را شامل شود نیاز است (حبیب، ۱۳۸۷: ۲-۱۳). از آنجا که اساس پایداری اجتماعی فضا بر تعامل میان فضا، شهر و جامعه است و پایداری اجتماعی بیشتر بر افزایش کیفیت جریان زندگی تمرکز می‌ند، برای نیل به پایداری اجتماعی در یک فضا سه اصل ضروری است:

- پاسخ به نیازهای اساسی انسان

- ارتقاء کیفیت زیست انسانی از طریق شناخت نیازهای عالی و غیر مادی انسان

- همخوانی این الگوهای رفتاری با کالبد

مهم‌ترین مولفه‌های توسعه پایداری اجتماعی در جدول مورد بررسی قرار گرفته است:

جدول ۱: مولفه‌های توسعه پایدار اجتماعی

مؤلفه	تعریف
امنیت اجتماعی	امنیت اجتماعی شامل امنیت ذهنی و امنیت عینی می‌شود. امنیت ذهنی شامل ادراک افراد از شرایط زندگی آن‌ها و موقعیت ثبات آن‌ها در جامعه خلاصه می‌شود و امنیت عینی به مولفه‌های حقیقی ایجادکننده امنیت مرتبط است
انسجام اجتماعی	به طور کلی جامعه‌ای که با پیوستگی و تعاملات اجتماعی سرزنده و سازنده همسو گردیده می‌تواند به خوبی ناهنجاری‌های اجتماعی را مدیریت نماید، و به سوی توسعه پایدار اجتماعی گام بردارد.
حس تعلق اجتماع	ایجاد برنامه‌هایی که به جلب مشارکت اجتماعی منجر می‌شود، از جمله روش‌هایی است که به ایجاد حس تعلق اجتماعی کمک می‌کند.
توسعه یافتگی	تعلیم و تربیت، مهم‌ترین عوامل دگرگون‌کننده نگرش و کردار بشری برای دستیابی به رشد اقتصادی، کیفیت زندگی، تامین فرصت‌های شغلی و افزایش تولید جامعه است. توسعه یافتگی انسان به عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه اجتماعی پایدار به حساب می‌آید.

(منبع: پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۵-۱۶)

با توجه به معنی واژه پایداری به معنای دوام و ماندگاری در گذر زمان، تعریف دیگری که می‌توان برای پایداری در حوزه اجتماعی بیان کرد، ماندگاری فضا بین مردم در طول زمان می‌باشد، هم در زمان حال و هم در آینده. یعنی فضا باید به گونه‌ای باشد که کارکردهای خود را در گذر زمان حفظ نماید و همیشه پر از حضور مردم و بستر شکل‌گیری فعالیت‌ها در طیف سنی و جنسی مختلف می‌باشد و پاسخگویی به نیازهای مختلف آن‌ها زمینه را برای حضور و مکث برقراری مرادوات اجتماعی آن‌ها فراهم آورد که این همان تعریف پویایی و سرزندگی فضایی است. به عبارت ساده فضایی که به لحاظ حضور مخاطب سرزنده و پویا باشد، به لحاظ اجتماعی نیز پایدار است (بهزادفر و طهماسبی، ۱۳۹۲: ۱۷-۲۸).



تصویر ۱: فضای فرهنگی سرزنده شهری، (منبع: بهزادفر و طهماسبی، ۱۳۹۲: ۱۷-۲۸).

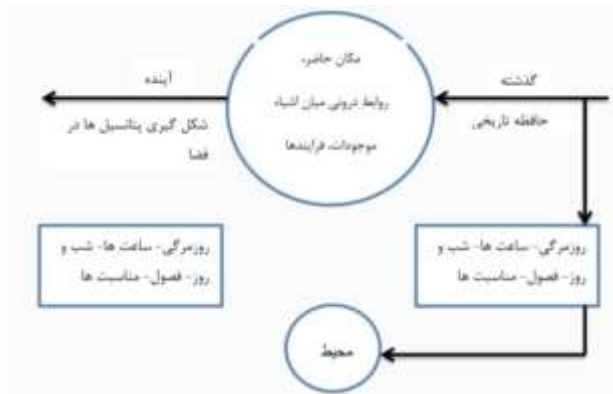
ویژگی‌های فضا و پایداری اجتماعی

در این پژوهش در ارتباط با مفهوم پایداری اجتماعی، آدم‌ها و رویدادها و تجربه‌های زندگی آن‌ها از مفهوم محلات استنتاج می‌شود و فراتر از کالبد است و در بستر زمان جاری می‌باشد. در این جایگاه مفهوم محله و شهر مترادف مفهوم مکان در نظر گرفته می‌شود، یعنی پدید ای ذهنی که محصول رابطه فعال و دوسویه میان فرد را (مکاها) و محیط زندگی اش بوده و بدین لحاظ منحصر به فرد است به طور کلی ابعاد کالبدی و غیر کالبدی مکاها را در قالب سه مؤلفه اصلی فرم فیزیکی فعالیت‌های جاری در آن و تصویری که از آن مکان در رابطه با فرم فیزیکی و فعالیت‌های شکل می‌گیرد دسته بندی کرده‌اند. با این فرض پایداری اجتماعی محله و شهرها به عنوان پایداری مکان زندگی آدم‌ها تعریف می‌کنند. در تعریف پایداری اجتماعی برای مکان نکات زیرنقش محوری دارند: مفهوم پایداری اجتماعی را می‌توان بر مبنای رابطه میان مؤلف‌های سازنده مکان توضیح داد. مونگمری (۱۹۹۸) مکان را فصل مشترک از فرم، فعالیت و تصویر ذهنی می‌داند.



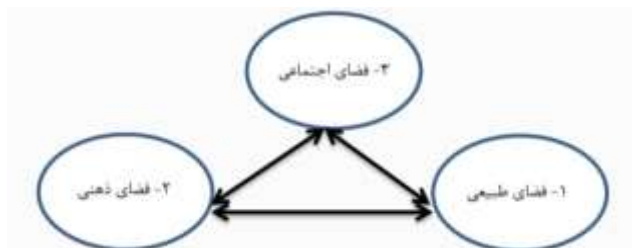
نمودار ۴: ساختار مکان. (منبع: حبیب، ۱۳۸۷: ۲-۱۳).

هدف اصلی پایداری اجتماعی همساز نمودن کیفیت حوزه فضایی به منظور ایفای نقش های اجتماعی و ارتقا پیوندهای اجتماعی می باشد. در تبیین انسان شناختی از مفهوم فضا، اندیشه هانری لوفبور، مکانی ویژه دارد. وی به ویژه در تولید فضا، فضا را نه یک پدیده طبیعی یا استعلایی بلکه یک تمامیت تاریخی و یک تولید اجتماعی می داند. در واقع فضا از یک سو تجربه حافظه تاریخی ماست و از سوی دیگر تجربه زندگی روزمره ما (مهلا، ۱۳۹۵: ۷۱).



نمودار ۵: رابطه فضایی مکانی در دیدگاه لوفبور، (منبع: مهلا، ۱۳۹۵: ۷۱).

لوفبور تقابل کلاسیک میان فضای فیزیکی (طبیعی) و فضای ذهنی را مورد نقد قرار می دهد و معتقد است که آنچه در واقع برای انسان ها اهمیت بیشتری دارد، فضای اجتماعی است.



نمودار ۶: مثلث تقابل های فضایی لوفبور، (منبع: مهلا، ۱۳۹۵: ۷۱).

راپاپورت مبنای انسان شناختی به فضا را بر درک فضا به عنوان مجموع هایی پویا از صحنه ها می داند. صحنه به نظر او محدوده ای از فضا است که نظامی از فعالیت ها را درون خود جای می دهد به صورتی که رفتارها با محیط درون فضا روابطی قابل انتظار پدید می آورند؛ بنابراین هر صحنه را می توان مکانی با فعالیت ویژه دانست. فعالیت مزبور، رفتارها را در قالب های زمانی/مکانی جای می دهد؛ یعنی آن ها در زنجیره یا زنجیره هایی خاص به صورت ساده یا ترکیبی در نقاطی مشخص از فضا قرار داده و این نقاط را به صورتی خاص از لحاظ زمانی سکانس بندی می کند. در مورد رفتار غیر کلامی نقش وضع اجتماعی (زمینه) بسیار مهم است، زیرا هیچ یک از رفتارهای انسانی در خارج از محیط اجتماع رخ نمی دهد، بنابراین زبان گفتاری، رفتار غیر کلامی و فرهنگ، همگی نقش هایی را، هم در به وجود آوردن یک رفتار و هم درک آن ایفا می کنند.

معیارهای پایداری اجتماعی

اجتماعات شهری واجد ارزش های بالقوه هستند که تقویت آنها کیفیت زندگی در شهر را ارتقاء بخشیده و فقدان آنها؛ نه تنها منجر به تنزل سکونت گاه محلی تا حد یک خوابگاه می گردد بلکه ممکن است اثرات نامطلوبی نیز بر زندگی فردی، اجتماعی، بهداشت روانی و... بر جای بگذارد از میان چنین ارزش هایی با توجه به

تأثیرات عمیقی که بر زندگی اجتماعی و فرهنگی ساکنین شهر خواهند داشت می‌توان به پویایی و سرزندگی، آسایش و آرامش، عدالت اجتماعی، هویت و غنای فرهنگی، امنیت اجتماعی، تنوع و گوناگونی، تعلق اجتماعی به مکان و مشارکت‌پذیری اجتماعی به عنوان معیارهای پایداری اجتماعی در توسعه پایدار شهری اشاره نمود.

جدول ۲: معیارهای پایداری اجتماعی

به منظور درگیر کردن شهروندان در حیات اجتماعی و تضمین حضور گروه‌های اجتماعی متنوع در فضا، ایجاد تنوع در کارکرد، فعالیت‌ها، زمان‌های استفاده از فضا و گروه‌های مخاطب فضا می‌تواند مؤثر باشد.	پویایی و سرزندگی	معیارهای پایداری اجتماعی
آسایش و آرامش از بارزترین توقعاتی است که از یک فضای شهری انتظار می‌رود. برای ایجاد آرامش در یک فضا، به عوامل کالبدی از یک طرف و عوامل کارکردی فعالیت‌ها از طرف دیگر در کنار رفتارهای جاری در فضا باید توجه شود.	آسایش و آرامش	
انسان‌هایی که در یک شهر زندگی می‌کنند نیازمند فضاهایی هستند که بتوانند تأمین‌کننده احتیاجات زیستی و فعالیت‌های آنان باشد.	عدالت اجتماعی	
هویت قبل از اینکه امری فردی باشد پدیده‌ای اجتماعی است. هویت جمعی تلاشی است که جمعی از انسان‌ها به منظور و تداوم و تمایز حیات مادی و معنوی خود بروز می‌دهند و بر معیارهای گوناگونی از قبیل خانواده، خویشاوندی و مقولات انتزاعی مثل دین مشترک استوار است.	هویت و غنای فرهنگی	معیارهای پایداری اجتماعی
امنیت به معنای رهایی از ترس و تهدید یکی از نیازهای اساسی انسان می‌باشد و به عنوان امری ذهنی تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی و روانی و کالبدی است.	امنیت اجتماعی	
در واقع پایداری به معنای تنوع، گوناگونی و فراگیر بودن است. جامعه‌ای بر پایه انحصار تک محصولی، تک نژادی، تک درآمدی را نمی‌توان پایدار دانست. تنوع اجتماعی در محله می‌تواند به معنای امکان زندگی برای گروه‌های گوناگون اجتماعی در کنار یکدیگر باشد.	تنوع و گوناگونی	
این حس تعلق به گونه‌ای به پیوند فرد با مکان منجر می‌شود که انسان خود را جزئی از مکان می‌داند و براساس تجربه‌های خود از نشانه‌ها، معانی و عملکردها، نقشی را برای مکان در ذهن خود متصور می‌سازد.	تعلق اجتماعی به مکان	معیارهای پایداری اجتماعی
مشارکت‌فرآیندی است که طی آن فرد از طریق احساس تعلق به گروه و شرکت فعالانه و داوطلبانه در آن به طور ارادی به فعالیت اجتماعی دست می‌زند. برخی از صاحب‌نظران در تعریف و تحلیل مشارکت با نگرش کلان‌نگریسته‌اند و مشارکت را به معنی شرکت فعالانه افراد در حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و به طور کلی تمام ابعاد حیات دانسته‌اند. این امر در سطوح محلی و ادراک شهروندان از کیفیت محیط تأثیری فزاینده دارد.	مشارکت‌پذیری اجتماعی	

(منبع: برداشت نویسندگان، ۱۳۹۷).

نتیجه‌گیری

مهمترین اصول برای رسیدن به پایداری محیطی و اجتماعی در فضاهای شهری و شهر مسجسدسلیمان عبارت است از: تاکید بر تراکم و پیوستگی فضاها، پیاده‌مداری، و توجه به ارزش‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی.

*تراکم و پیوستگی فضاها

زمانی که ساختمان‌ها و فضاها با فاصله زیاد نسبت به یکدیگر واقع شده و ورودی‌ها درجهانی‌دوراز یکدیگر قرار گرفته باشند، مردم و فعالیت‌ها پراکنده می‌شوند و روابط اجتماعی گسترش می‌یابد. در اینجا بر لزوم پیوستگی فضایی و شبکه حرکتی تأکید می‌شود که به موجب آن عناصر مجزای شهر در مقیاس شهری و در ساختار طراحی شده کلان با هم ارتباط می‌یابند. اتصال فضاها ضمن ایجاد پیوند هدف‌دار میان عناصر مختلف شهر، موجب حفظ عملکردها و پیوستگی اجتماعی می‌شوند. گرد آمدن مردم در فضا و زمان، پیش‌نیاز تمام وقایع است، اما اینکه چه فعالیت‌هایی امکان‌گسترش‌دارند، اهمیت بیشتری دارد. در این زمینه کیفیت بخش‌های مختلف محیط خارجی، نقش حساسی ایفا می‌کند. اگر فضاها برای انجام فعالیت‌های پیاده‌روی، ایستادن و نشستن، جذاب باشد، گستره وسیع دیگر فعالیت‌ها (بازی، ورزش، فعالیت‌های اجتماعی و غیره) زمینه خوبی برای رشد خواهد داشت. عملکردها و فعالیت‌های منفرد باید بر مبنای نمای خیابان ارزیابی شود و مطابق با ارزش آن‌ها به عنوان جاذبه‌های فضا و اهمیت آن‌ها برای عملکردشان در فضای خارجی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

*پیاده‌مداری

پیاده‌روی مهم‌ترین امکان برای مشاهده مکان‌ها و فعالیت‌ها و احساس شور و تحرک زندگی و کشف ارزش‌ها و جاذبه‌های نهفته در محیط شهر به حساب می‌آید. این پدیده از نظر ادراک هویت فضایی، احساس تعلق به محیط و دریافت زیبایی از اهمیت اساسی برخوردار است. بویژه بدلیل شاخصه مقیاس انسانی و ایجاد پویایی به افزایش تعاملات اجتماعی در فضاهای شهری (شهر مسجسدسلیمان) کمک می‌کند. حرکت پیاده و سواره، به علت متفاوت بودن سرعت آن نمی‌تواند در یک فضا ادغام یابد لذا داشتن مرزهای سخت یا نرم برای جدا سازی این دو فعالیت ضروری است تا حرکت پیاده با امنیت و به راحتی انجام گیرد. در نتیجه حفظ اهمیت پیاده‌نخستین اقدام برای تشویق او برای حضور در فعالیت در فضای عمومی است.

*توجه به ارزش‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی

بر اهمیت ارزش‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی در فضاهای شهری تاکید شده و مکان، تجربه انسان‌ها تعریف شده است. به همین جهت برنامه ریزان شهری سعی در یافتن اصول و ضوابطی داشته‌اند که بر درک مطلوب از فضا تاثیر می‌گذارد. نقش متغیرهای اجتماعی نظیر فرهنگ، نمادها و نشانه‌های اجتماعی از اهمیت بالایی برخوردار است. محققینی همچون راپاپورت با پژوهش‌های خود بر نقش عوامل کالبدی تاکید نموده، اما اشاره داشته‌اند که آنچه محیط کالبدی را به عنوان بستر تعاملات اجتماعی بیان می‌کند، در اصل نمادها و سمبل‌های محیطی مشترک اجتماعی از یک طرف و از طرف دیگر قابلیت محیطی در تامین و گسترش این بعد از نیازهای انسانی است. حفظ و مرمت بناهای مخروبه و متروکه موجود در فضاهای شهری (شهر مسجدسلیمان) به عنوان نشانه‌های فرهنگی و یا باز زنده‌سازی آن با کاربری‌های مطلوب امروزی، تلاشی است برای جذابیت بیشتر فضاهای عمومی برای اجتماع استفاده کننده از فضای جمعی و تشویقی برای حضور و در نتیجه تعامل او در فضا است. دهمه این موارد اصول طراحی فضاهای شهری (شهر مسجدسلیمان) موفق بوده که بر ادراک انسان در استفاده از فضا تاثیر می‌گذارد و فضایی مناسب برای حضور انسان‌ها فراهم می‌آورد. بر این اساس، سازماندهی فضای کالبدی به تنهایی شرط کافی برای موفقیت یک فضا نیست، بلکه تجربه وقایع و روابط اجتماعی آگاهانه و هدف دار جزئی از فضاست و به تقویت حس مکان کمک می‌کند. ساخت فضای شهری به معنای میل به مشارکت در زندگی اجتماعی است و می‌تواند به منزله کانون‌های دیدار و ملاقات و ارتباط چهره به چهره عمل کند.

منابع

۱. دانشپور، سیدعبدالهادی و چرخچیان، مریم (۱۳۸۶). فضاهای شهری و عوامل مؤثر بر حیات جمعی. نشریه علمی- پژوهشی باغ نظر، دوره ۴، شماره ۷.
۲. موریس، جیمز. (۱۳۷۴)، تاریخ شکل شهر تا انقلاب صنعتی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، صص ۵، ۹ و ۱۰.
۳. حسینی، سید علی. (۱۳۹۰)، اصول و مبانی برنامه‌ریزی شهری و روستایی، انتشارات دریای دانش، رشت، چاپ اول، صص ۴۹ و ۵۰.
۴. عباسی شهنی، دانش. (۱۳۸۳). تاریخ مسجدسلیمان، تاریخ تحولات صنعت نفت. چاپ سوم. انتشارات هیرمند.
۵. توسلی، محمود. (۱۳۸۱)، ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه پیام نور.
6. Bonnie, Michael, (2001), sustainable Desert Housing: from the Dwell into the Desert Community, Sustainable Development of Communities A Regional Dysprosium, UNDP, IRAN.
۷. دالمن، مسعود. (۱۳۸۱)، نقش اقلیم حیاتی در معماری سواحل جنوب، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان.
۸. بحرینی، حسن، کریمی، کیوان. (۱۳۸۱). برنامه ریزی محیطی ایران برای توسعه زمین (راهنمایی برای برنامه ریزی و طراحی محلی پایدار)، انتشارات دانشگاه تهران.
۹. نوروزپور، شهین. (۱۳۸۶)، بررسی نقش اقلیم در ساخت و سازهای شهر آجاجاری، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
۱۰. شریفی، لیلا. (۱۳۸۰)، بهینه سازی مسکن از نظر مصرف انرژی، مطالعه ی موردی شهر اهواز، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا، دانشگاه تهران شمال.
۱۱. لنگ، جان (۱۳۹۵). آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط)، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۸۳)، هویت و این همانی با فضا، مجله صفا، ش ۲۱، ناشر دانشگاه شهید بهشتی.
۱۳. معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۷)، سیری در مبانی نظری معماری، انتشارات سروش دانش، تهران.
۱۴. حبیب، فرح (۱۳۸۷). کالبد شهری: بازیابی مفهوم شهروندی از تعامل اجتماعی با رویکرد ارتقاء کالبدی فضاهای شهری. مجله هنر و معماری مسکن و محیط روستا، شماره ۱۲۱، از ۱۳ تا ۱۳.
۱۵. واعظ زاده، ساجده؛ نقدی، اسدالله؛ ایاسه، علی. (۱۳۹۴)، مولفه های پایداری اجتماعی در برنامه های توسعه ایران، مقاله علمی و پژوهشی، نشریه مطالعات توسعه اجتماعی ایران، دوره ۷، شماره ۲.
۱۶. مهلا، بهروز. (۱۳۹۵)، طراحی فضای وصل محلات زیباشهر زاهدان با تأکید بر پایداری اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۱۷. پورجعفر، محمدرضا؛ خدائی، زهرا؛ پورخیری، علی (۱۳۹۰). رهیافتی تحلیلی در شناخت مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و بازه‌های توسعه پایدار شهری، سال سوم، شماره ۳، از ۳۶ تا ۲۵.
۱۸. بهزادفر، مصطفی؛ طهماسبی، ارسلان (۱۳۹۲). شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی، فصلنامه علمی-پژوهشی مرکز پژوهشی هنر معماری و شهرسازی نظر، شماره ۲۵، صفحه ۲۸-۱۷.